

رنج بی صدا

جواد عباسی توللی



مجموعه عکس ها از کارگران پارس جنوبی

رنج بی صدا ▶

مجموعه عکس‌ها از وضعیت کارگران پارس جنوبی ▶

عکاس و گزارش‌گر: جواد عباسی توللی ▶

طراح جلد و صفحه‌آرا: سیامک ملامحمدی ▶

فهرست

.....	۴	•سخنی با خواننده.....
.....	۶	•عملیات رایوگرافی در پارس جنوبی؛ نقض حق سلامت واجمن‌ها.....
.....	۸	•عکس شماره ۱.....
.....	۹	•عکس شماره ۲.....
.....	۱۰	•عکس شماره ۳.....
.....	۱۰	•عکس شماره ۴.....
.....	۱۱	•عکس شماره ۵.....
.....	۱۲	•عکس شماره ۶.....
.....	۱۳	•عکس شماره ۷.....
.....	۱۴	•عکس شماره ۸.....
.....	۱۴	•عکس شماره ۹.....
.....	۱۵	•عکس شماره ۱۰.....
.....	۱۷	•عکس شماره ۱۱.....
.....	۱۹	•عکس شماره ۱۲.....
.....	۲۱	•عکس شماره ۱۳.....
.....	۲۲	•عکس شماره ۱۴.....
.....	۲۴	•عکس شماره ۱۵.....
.....	۲۵	•عکس شماره ۱۶.....
.....	۲۶	•عکس شماره ۱۷.....
.....	۲۷	•عکس شماره ۱۸.....
.....	۲۸	•عکس شماره ۱۹.....
.....	۲۹	•عکس شماره ۲۰.....

کتابچه پیش رو در بردارنده‌ی مجموعه عکس‌ها و کپشن‌هایی نوشته شده بر عکس‌هاست که در فاصله سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ از فازهای پالایشگاهی در حال ساخت در منطقه ویژه پارس جنوبی تهیه شده است. این مجموعه، روی هم منعکس کننده‌ی حدود سه سال از تجربیات شخصی من است. به دلایل امنیتی یا به درخواست برخی از افراد حاضر یا مرتبط با عکس، نام و عنوان شغلی و همینطور نام شرکت‌ها در کپشن‌ها نیامد تا این دوستان از پیامدهای احتمالی در امان بمانند. این مجموعه برش کوتاهی از وضعیت ایمنی، دستمزد و شرایط بهداشتی هزاران کارگر شاغل در بزرگترین منطقه کارگری در جنوب ایران را پیش روی شما می‌گذارد. کارگران منطقه پارس جنوبی در شرایطی نیروی کارشان را می‌فروشند و تولید سرمایه می‌کنند که خود حتی از داشتن حداقل استانداردهای یک محیط کار عادی نیز محروم هستند. فی‌الواقع، کارگران پارس جنوبی آنچه به عنوان دستمزد آن‌هم، هرچند ماه یکبار دریافت می‌کنند، التیام بخش حتی گوشه‌ای از رنج‌هایی که در محیط کار متحمل می‌شوند، نیست. از سوی دیگر، بسیاری از کارگران حاضر در عکس‌ها استخدام دائم نیستند و بصورت موقت از سوی پیمانکاران بخش خصوصی استخدام شده‌اند. این کارگران به لطف آیین‌نامه‌ها و مصوبات چند دهه اخیر از داشتن حقوق کاری از جمله بیمه‌های درمانی متناسب با آسیب‌هایی که می‌بینند، محروم شده‌اند. همچنین استفاده شرکت‌های کارفرما از تجهیزات غیر استاندارد و از رده خارج و همچنین فراهم نکردن لوازم ایمنی و بهداشتی توسط آنها سبب بالا رفتن آمار مصدومیت و مرگ و میر در این منطقه کارگری شده است. آمارهایی که البته هیچ‌گاه رسانه‌های رسمی آن‌گونه که بایسته است، به آن پرداخته‌اند.

عکس‌هایی که در خبرگزاری‌های دولتی همچون «ایلنا» از کارگران پارس جنوبی نشر داده می‌شود، عمدتاً از پیش‌همانگ شده و در حضور افسران گشت حراست منطقه ویژه عکاسی شده است. مجموعه عکس‌های این کتابچه اما با دوربین غیر حرفه‌ای و از نقاط کور دوربین‌های مداربسته حراست پالایشگاه‌ها و محیط کاری کارگران عکس برداری شده است. بهمین دلیل برخی از عکس‌ها ممکن است کیفیت مطلوبی نداشته

باشد. این مجموعه روایتی شخصی است از مدت حضورم در فازهای پالایشگاهی ۶-۷-۸ در نخل تقی، ۲۲-۲۳-۲۴ در کنگان و پتروشیمی غدیر در حد فاصل دو شهر نخل تقی و عسلویه در استان بوشهر. مجموعه ای که از بسیاری جهات در تضاد با روایت های رسمی از وضعیت کارگران در منطقه ویژه پارس جنوبی قرار می گیرد. در این مجموعه به مواردی همچون نقض «حق سلامت» کارگران، نقض «حریم خصوصی» به مثابه تحقیر سیستماتیک کارگران، عدم رعایت «ایمنی» در محیط کار، کمبود پزشک و تجهیزات پزشکی و مسائلی از این دست پرداخته ام. این کتاب در حقیقت برای مؤلف، طغیانی درونی است علیه نابرابری و تلاشی است هرچند کم و کوچک برای آگاهی بخشی. مسلماً همه چیز را نمی توان در کادر دوربین جا داد و چیزی که در این مجموعه به خواننده عرضه می شود در برابر وضعیتی که جان کارگران را از عسلویه تا کنگان به گروگان گرفته و به تاراج می برد بسیار اقل است.

این نکته را هم اضافه کنم که در این کتابچه، قصد ندارم تا وضعیت معیشتی کارگران و ضوابط کارمزدی افسار گسیخته‌ی حاکم بر روابط کارگر و کارفرما که در این منطقه کارگری عریان تر از هر جای دیگری نمایان است را تحلیل مفصل کنم. چه آنکه به نقد کشیدن این ضوابط، مجالی بیش از این کتابچه می طلبد. در اینجا توضیحات زیرعکس ها کوتاه و موجز بیان شده تا تصویری از شرایط واقعی کارگران در ذهن مخاطب ایجاد شود. کپشن ها و توضیحات زیر عکس ها نیز صرفاً بازتاب دهنده وضعیت است و سعی کرده ام تا آنجا که میسر است اصل «بی طرفی» را در نوشتن رعایت کنم. شمار گزارش های ناموجود در این مجموعه به صدها و تعداد عکس ها شاید به هزار می رسد که بخش زیادی از هر دو در وبلاگی آرشیو شده بود که در حال حاضر از دسترس خارج شده است. آرشیو دیگری هم که موجود بود به همراه بسیاری از فایل های حاوی تجربه های اینچینی، در یک کیس کامپیوتر توسط مأموران اداره اطلاعات شیراز ضبط شد که امیدوارم روزی دوباره آن تجربیات ثبت شده و نوشته شده بازگردانده شوند.

عکس ها و نوشته های موجود در این کتابچه، از شمول حق کپی-رایت خارج است و اگر محتوای آن به کارتان می آید هر جا که خواستید منتشرش کنید. این کتاب تقدیم می شود به دستهای پر پینه و دل پر خون هزاران کارگری که از سر ناچاری در میان گازهای سمی و شرعی نفس گیر منطقه ویژه پارس جنوبی، جان را به مزایده‌ی نان گذاشته اند.



► عملیات رادیوگرافی در پارس جنوبی؛ نقض حق سلامت و اچمن‌ها

هژمونی خبری رسانه های دولتی در ایران و عدم گردش آزاد اطلاعات سبب شده که برای برخی اذهان «منطقه ویژه پارس جنوبی» تنها تداعی گر فلرهای سوزان گاز و پالایشگاه های متعددی باشد که بر ورودی هر کدام از آنها شعارهایی نظیر «ما می توانیم» به همراه آرم و نشان قرارگاه خاتم النبیین حک شده است. اما برآستی در پس این تصویر ارائه شده از این منطقه، چه اتفاقاتی در حال وقوع است؟

در مقدمه اساسنامه سازمان بین المللی کار بر حفاظت از سلامت کارگران و پیشگیری از حوادث ناشی از کار تأکید شده است. همچنین در همین اساسنامه که از قضا مورد تأیید و توافق ایران نیز قرار گرفته و متن آن در سایت وزارت کار هم موجود است، معیارهای ویژه ای برای حمایت از کارگران در برابر خطرهای خاص تعیین شده است. معاهدات اینچنینی نه تنها از سوی وزارت کار به درستی اجرا نشده بلکه بخش خصوصی به دلیل عدم نظارت کافی از سوی دولت، در موارد بسیاری تعهدات کارفرما در رابطه با رعایت ایمنی در محیط کار را به بهانه هایی همچون کم کردن هزینه ها زیر پا گذاشته است.

راديوگرافي صنعتي يکي از پر کاربردترين روش‌هاي کنترل و بازرسي براي وارسى لوله‌هاي انتقال گاز است. در اين روش از پرتوهاي ايکس و گاما براي شناسايي عيوب درون لوله‌ها استفاده مي‌شود. از آنجائي‌که عمليات جوشکاري بر روي لوله‌هاي انتقال گاز در پالايشگاههاي گاز پارس جنوبي با الکترودهاي دستي و ابزار غير استاندارد انجام مي‌شود و اين مسأله احتمال خطا در کار را بالا مي‌برد، شرکتهاي پيمانکاري راديوگرافي ناگزير از دوربين‌ها و دستگاههاي قويتر با شعاع پرتوهاي راديواکتيو بالا استفاده ميکنند.

از همين رو کارگراني که در اين عمليات شرکت مي‌کنند در معرض اصابت اشعه با دوز بالا قرار مي‌گيرند. به گفته کارشناسان، در بدن کارگراني که در معرض پرتوهاي يونيزه‌ي ساطع شده از دستگاههاي راديوگرافي قرار مي‌گيرند، خطر ابتلا به انواع سرطان آن‌ها ۴۰ درصد، تومورهاي سيستم عصبي ۵۰ درصد و سرطان خون ۷۰ درصد افزايش مي‌يابد. در پارس جنوبي به کارگراني که ويژه کنترل فزيکي از محدوده عمليات راديوگرافي را به عهده دارند، «واچمن» گفته مي‌شود.

به گفته يکي از کارشناسان ايمني شاغل در شرکتهاي پيمانکاري که هم اکنون در فازهاي پالايشگاي ۲۲-۲۳-۲۴ کنگان مشغول بکار است، در جلسات آموزشي راديوگرافي به آنها گفته شده «هر فردي که در محدوده عمليات راديوگرافي قرار مي‌گيرد بايد کمتر از ۲۵ ميكروسيورت اشعه به بدنش اصابت کند و اگر ميزان اشعه دريافت شده از اين دوز (۲۵ ميكروسيورت) بالاتر رود اين افراد در خطر انواع سرطانها و عقيم شدن قرار ميگيرند.» به گفته همين کارشناس ايمني، جهت سنجش ميزان پرتوهاي راديواکتيو در بدن بايد دستگاهي به نام «دوزيمتر» در اختيار اکيپ راديوگرافي و کارگران محدوده عمليات قرار گيرد. همچنين هريک از کارگران بايد لباسهاي با پوشش آلومينيومي مخصوص در حين عمليات راديوگرافي به تن داشته باشند. اين گفته‌هاي کارشناس ايمني در حالي است که شرکت‌هاي راديوگرافي بدون برگزاري کلاسهاي آموزشي و توجيهي، هرکدام ۳۰ الي ۴۰ کارگر را تحت عنوان واچمن در استخدام خود دارند. پيمانکاران شرکتهاي خصوصي راديوگرافي اما به دليل گرانتقيمت بودن اين تجهيزات و با توجه تحريم‌ها از فراهم کردن اين لوازم براي کارگران خودداري مي‌کنند.

در بررسي‌هاي ميداني، يکي از واچمن‌ها در زمينه ارائه تجهيزات از سوي شرکت مي‌گويد: «فقط مهندسين بخش فني و روساي شرکت، دستگاه دوزيمتر و لباس مخصوص در اختيار دارند و حتي به يک نفر از واچمن‌ها نيز اين تجهيزات داده نشده است.»

از سوی دیگر به دلیل قوی بودن دستگاه‌ها و دوربین‌های بکار گرفته شده در عملیات رادیوگرافی، نه تنها کارگران این بخش بلکه بسیاری از کارگرانی که در بخشهای دیگر در شیفت شب مشغول به کار هستند نیز در معرض اصابت اشعه رادیواکتیو قرار می‌گیرند. آسیب‌های ناشی از عملیات غیر اصولی رادیوگرافی در پارس جنوبی تنها شامل واچمن‌ها و کارگران شیفت شب نمی‌شود. بلکه مخازن آبی که بصورت صحرایی برای تأمین آب آشامیدنی کارگران در نقاط مختلف و بدون حفاظ کار گذاشته شده، به دلیل برخورد اشعه‌های سرطانزا دچار آلودگی می‌شوند و از اینرو صدها نفر از کارگران شاغل در شیفت روز نیز با نوشیدن آب از این مخازن، در معرض خطرات ناشی از پرتوهای رادیواکتیو قرار می‌گیرند.



عکس شماره ۱: مخازن آب، بدون حفاظ مناسب که به صورت صحرایی و در سطح پالایشگاه‌های در حال ساخت کار گذاشته شده، آب درون آنها به دلیل برخورد اشعه رادیواکتیو در جریان عملیات رادیوگرافی، یونیزه و سرطانزا میشود و اغلب کارگران بدون اطلاع از این مسأله، آب مورد نیاز خود را از این مخازن تأمین می‌کنند.



عکس شماره ۲: سقوط و مرگ یک کارگر؛

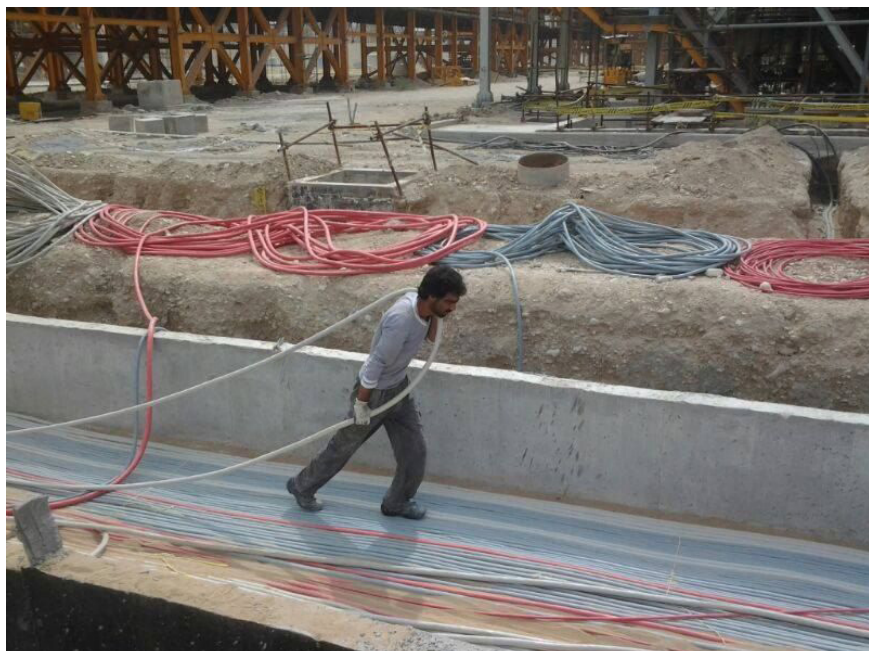
نامش قاسم بود، از لره‌های کهگیلویه و بویراحمد و کارگر قراردادی شرکت پیمانکاری «مارون پرتو» تنها چیزی که از او در خاطرمان مانده همین است. این کارگر در تاریخ چهارم اردیبهشت ۱۳۹۳ در یونیت ۱۰۶ از سایت پالایشگاهی در حال ساخت ۲۴-۲۳-۲۲ کنگان، از ارتفاع ۳ متری سقوط کرد و بدون ذره‌ای تفلاد درگذشت. افسر ایمنی که زودتر از بقیه بالای سرش حاضر شده بود، نه تنها جعبه کمک‌های اولیه نداشت بلکه از هراس این که شرکت بیمه روزهای بعد در دادگاه مدعی شود که مرگ این کارگر به علت رسیدگی نادرست و جابه‌جایی پس از سقوط اتفاق افتاده، حاضر به کمک‌رسانی به او نشد. شاید تعجب برانگیز باشد اما تا ساعت‌ها حتی یک آمبولانس هم برای جابه‌جایی او نبود. در سراسر پروژه ۲۴-۲۳-۲۲ (به غیر از یک پزشک عمومی مستقر در کمپ خوابگاهی) در واحدهای بهداری همه شرکت‌ها از پتروسینا آریا به عنوان کارفرمای پروژه گرفته تا شرکت‌های تابع همچون محمدیان، چاد-پتونیا، پایندان، تنانیر، دریا ساحل و پیمانکاری های خرد وابسته به آن‌ها پزشک تمام وقت (و حتی پاره وقت) استخدام نشده است. البته همه این شرکت‌ها نام یک پزشک عمومی را به عنوان پزشک قراردادی آن‌ها فقط روی کاغذ جهت حفظ ظاهر در جنته دارند. پزشکی که هفته‌ای یک ساعت نیز در محل کار خود حضور ندارد. القصه این کارگر درست در فاصله چند قدمی ما به علت گرما زدگی و عدم رسیدگی پزشکی به موقع، جان داد. دو یا سه ساعت بعد، پیمانکار شرکت مارون پرتو، با حضور در محل از کارگران خواست به سر کار خود برگردند. در نهایت، آمبولانسی از بیمارستان کنگان اعزام شد و جنازه را انتقال داد. نکته تأسف برانگیز ماجرا این بود که مرگ این کارگر حتی نتوانست وقفه‌ای در روال کار آن پیمانکاری ایجاد کند. آن‌روز هم کارگران مثل روزهای قبل تا پایان ساعت کاری مشغول بودند. بدون اغراق، مرگ در اثر گرم‌زدگی یکی از اتفاقات روزمره در منطقه پارس جنوبی است. در این منطقه، حتی در دمای بالای ۴۰ درجه، آب معدنی خنک به کارگران تعلق نمی‌گیرد. کارگران از آب مخزن‌های داغی که زیر آفتاب رها شده‌اند برای رفع تشنگی استفاده می‌کنند. اگر سری به اینترنت بزنید، اخبار منتشر شده زیادی از مرگ کارگران در اثر «گرم‌زدگی» در این منطقه ویژه پارس جنوبی خواهید دید. مرگ‌هایی که لابلای هجوم بی‌امان اخبار دیده نشده‌اند.



عکس شماره ۳: در منطقه ویژه پارس جنوبی، کارگران یک ساعت برای صرف ناهار و استراحت، کارشان را تعطیل می‌کنند. از آنجایی که در این منطقه برای استراحت کارگران در محل کار، مکانی اختصاص داده نشده، آن‌ها به اجبار در همان محیط آلوده و خشن، استراحت می‌کنند. عکس خود به قدر کافی گویاست.



عکس شماره ۴: کارگران در حال کشی با حداقلی‌ترین ابزارهای موجود



عکس شماره ۵: معمولاً پیمانکاران بخش تأمین برق در سایت‌های صنعتی منطقه ویژه پارس جنوبی، حاضر به خرید ابزارآلات و ماشین‌های گران‌قیمت مخصوص کابل‌کشی نمی‌شوند. در عوض استخدام کارگران روزمزد ارزان‌برایشان یعنی «صرف کمترین هزینه و کسب بیشترین سود»، از طرف دیگر به کارگران روزمزدی که به استخدام این پیمانکاران درمی‌آیند، بیمه تعلق نمی‌گیرد. این در حالی است که اکثر این کارگران پس از چند ماه کار طاقت فرسا، به بیماری‌هایی همچون دیسک کمر و دردهای مفصلی دچار می‌شوند. برای مثال شرکت پیمانکاری «تتانییر» برای عملیات کابل‌کشی از پنج کارگر یا بیشتر در یک کانال استفاده می‌کرد، اما پس از اعلام دستمزد جدید وزارت کار و افزایش میزان دستمزدها، بسیاری از کارگران روزمزد خود را از کار اخراج کرد. این شرکت پس از اخراج ده‌ها نفر از کارگران، در هر کانال تنها از یک کارگر برای کابل‌کشی استفاده می‌کند و این مسأله صدمات جبران‌ناپذیری بر بدن کارگران وارد می‌کند. متأسفانه کارگران بلوچ بعثت فقر شدید مالی و محرومیت، در ازای روزی بین ۳۵-۵۰ هزار تومان دستمزد، کارهای طاقت‌فرسای اینچنینی را برعهده می‌گیرند.





عکس شماره ۶: پیمانکاران برای انجام عملیات کابل کشی، به جای خرید تجهیزات گران قیمت تعداد بیشتری کارگر روزمزد ارزان را به استخدام درمی آورند.





عکس شماره ۷: در برخی موارد، شرکت‌های پیمانکاری حاضر به خرید یا اجاره جرثقیل حتی برای جابه‌جایی دستگاه‌های سنگین نمی‌شوند. در این عکس پمپ بالای دو تن توسط کارگران جابه‌جا شده است.





عکس شماره ۸: خرداد - ۱۳۹۳ بخشی از کارگران شرکت پایندان در منطقه ویژه پارس جنوبی در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدهایشان از سوی کارفرما، دست از کار کشیده و جلوی دفتر بخش اداری این شرکت تجمع کرده اند. «براساس قانون اداره کار در منطقه ویژه پارس جنوبی، هر کارگر که از کار خود تسویه حساب می شود فقط در صورتی می تواند در پروژه دیگری مشغول به کار شود که توانسته باشد برگه ای را تحت عنوان برگه "رضایت کار" از پیمانکار قبلی خود دریافت کند.»



عکس شماره ۹: خرداد - ۱۳۹۳ بخشی از کارگران شرکت پایندان در منطقه ویژه پارس جنوبی در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدهایشان از سوی کارفرما، دست از کار کشیده و جلوی دفتر بخش اداری این شرکت تجمع کرده اند.



عکس شماره ۱۰: روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ کارگران یکی از پیمانکاری ها در فاز پالایشگاهی در حال ساخت ۲۴-۲۳-۲۲ بدلیل تعویق ۴ ماهه در پرداخت حقوق شان، دست از کار کشیدند و مقابل دفتر این پیمانکاری تجمع کردند. اما تنها چیزی که عایدشان شد وعده های سرخرمن و مبلغ ناچیزی مساعده مالی بود. کارگری که در عکس صورتش را پوشانده، «ع. کرمی» اهل شهر ایذه، کارگر بخش جوشکاری در یکی از پیمانکاری های شرکت «پایندان» از شرکت های طرف قرارداد با قرارگاه خاتم الانبیاء در منطقه ویژه پارس جنوبی بود. او در ساعات اول تجمع و اعتصاب کارگران به دلیل اینکه از طرف همکاران خود به عنوان نماینده برای مذاکره با پیمانکار انتخاب شده بود، توسط گشت ویژه حراست کارفرما (پتروسینا آریا) بازداشت و پس از باطل شدن برگ ترددش، برای همیشه از کار در منطقه ویژه پارس جنوبی، اخراج شد.







عکس شماره ۱۱: بیشتر کارگران جمع آوری ضایعات در منطقه ویژه پارس جنوبی، به صورت روزمزد و بدون قرارداد و بیمه برای شرکت های پیمانکاری مشغول به کارند.



ببار آرد زهای که مسینه

سلوی می کنر سنلن در از ندیا >





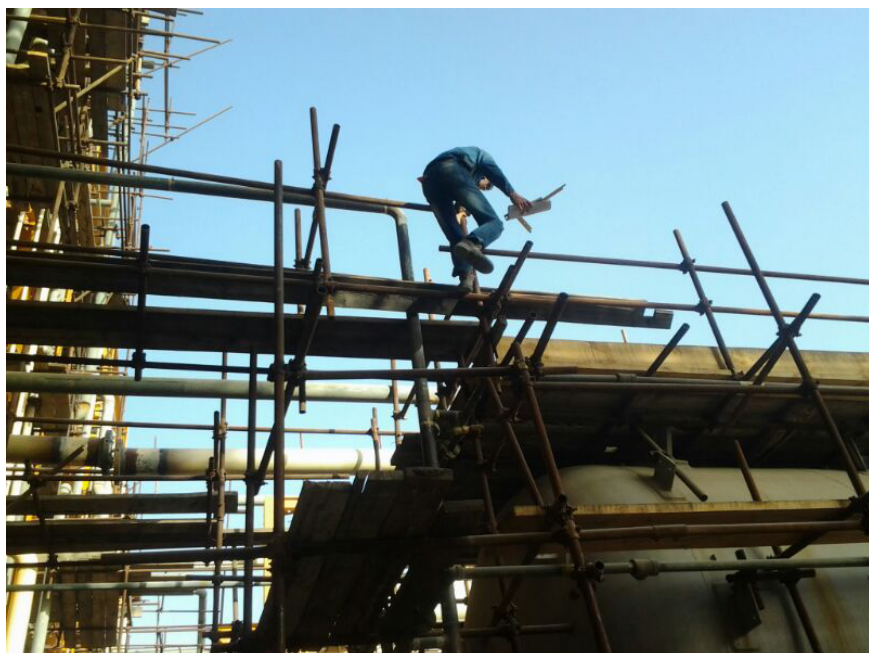
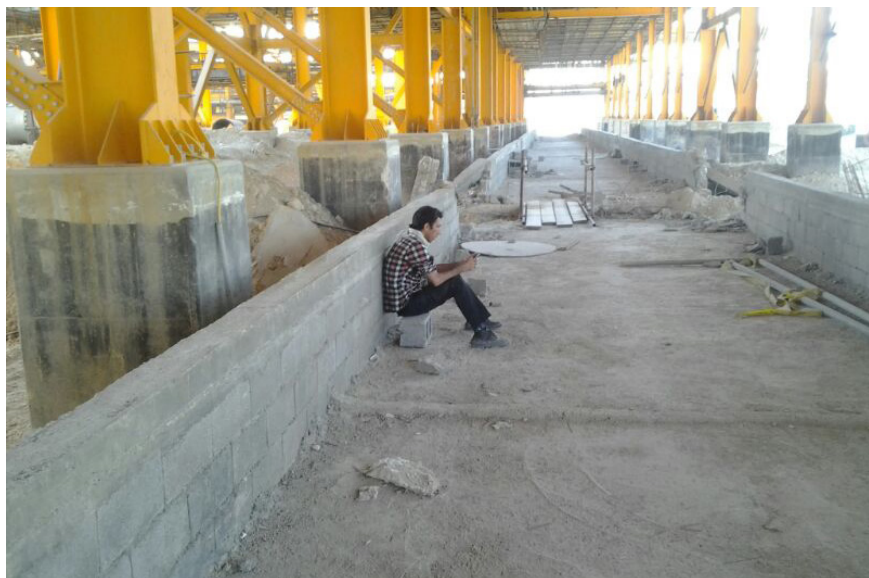
عکس شماره ۱۲: مطالبات جدائی طلبانه تنها در بافتی تبعیض آمیز رشد می کنند. کارگران عرب خوزستانی شاغل در منطقه ویژه پارس جنوبی، شعارهای جدائی طلبانه خود را بر سطوح ابزارهای موجود در یکی از سایت های پالایشگاهی در حال ساخت، نوشته اند.





عکس شماره ۱۳: جمع آوری لوله‌های از پیش اسقاط شده در محوطه یکی از شرکت‌های پیمان‌کاری تابعه قرارگاه خاتم‌الانبیاء





عکس شماره ۱۴: برای کار در ارتفاع به کارگران حداقل تجهیزات ایمنی همچون «کمربند محافظ» داده نمی‌شود. سالانه کارگران زیادی در منطقه ویژه پارس جنوبی بر اثر سقوط از ارتفاع مصدوم یا کشته می‌شوند.





عکس شماره ۱۵: به دلیل عدم تخصیص هزینه از سوی پیمانکاران در منطقه ویژه پارس جنوبی، کابل های برق با ابتدائی ترین لوازم، ایمن سازی می شوند. تاکنون گزارش هایی از مصدومیت یا مرگ کارگران در این منطقه به علت «برق گرفتگی» منتشر شده است.



عکس شماره ۱۶: عکس دیگری از عایق نامناسب کابل های برق در منطقه ویژه پارس جنوبی



عکس شماره ۱۷: لوله های مخصوص انتقال گاز در پالایشگاه از آلیاژ ویژه و گران قیمتی ساخته می شوند. با در نظر گرفتن تحریم ها، واردات پر هزینه این نوع از فلز از محل بودجه عمومی تأمین می شود. در سایه عدم نظارت کافی بر کار شرکت های تابعه قرارگاه خاتم الانبیا، رؤسای برخی از این شرکت ها اما با معاونت یکدیگر، روزانه بخشی از لوله ها را اسقاط می کنند و به جای ضایعات در بازار سیاه به فروش می رسانند.





عکس شماره ۱۸: کمپ های خوابگاهی کارگران: هرچند داستان فاجعه بار این اقامتگاه های کارگری به سادگی قابل وصف نیست اما شرح خلاصه ای از آن چنین است: به دلیل کیفیت بد آب مصرفی که از لوله های دستگاه آب شیرین کن خارج میشود و نیز به دلیل وجود بیش از اندازه کلر و دیگر ترکیبات شیمیایی در این آب، استفاده مداوم و روزانه از آن سبب ایجاد عارضه های پوستی و ریزش موی سر می شود. قارچ های پوستی زیر بغل، پا و... و ریزش موی سر در این خوابگاهها بسیار شایع است. در این خوابگاه ها در هر اتاق سه در چهار، بطور میانگین ۸-۷ کارگر ساکن هستند. در مورد کارگران بلوچ به علت نیاز شدید به کار، این رقم به هر اتاق ۱۲-۱۰ نفر نیز افزایش پیدا می کند. هر سوله خوابگاهی تنها یک ماشین لباسشویی دوقلوی کوچک دارد که در آشپزخانه گذاشته شده و معمولاً پس از اتمام ساعت کاری، هر سوله میزبان صف های طولانی کارگران جهت استفاده از همین یک ماشین است. البته از آنجائی که استفاده از ماشین لباسشویی (به بهانه ایجاد سروصدا) بعد از ساعت ده شب از طرف مدیریت کمپ قدغن می شود، بسیاری از کارگران مجبور به پوشیدن همان لباسهای مملو از آلودگی روز قبل هستند. اتاق ها در این سوله ها فاقد امکانات اولیه ای همچون یخچال هستند و در هر سوله فقط یک عدد یخچال عمومی در آشپزخانه قرار داده شده است.



عکس شماره ۱۹: در بیشتر کمپ های خوابگاهی، کمپ مهندسی از اقامت گاه (کمپ) کارگران جداسازی شده است. در برخی از کمپ های کارگری حداقل های امکانات بهداشتی و رفاهی نیز موجود نیست. حمام ها در ندارند و کارگران مجبورند در این اتاقک های بدون در و جلو چشم بقیه کارگران حمام کنند. این مسأله به نقض «حریم خصوصی» بسیاری از کارگران شاغل در منطقه ویژه پارس جنوبی منجر شده است.





**عوامل جاسوس دشمن در هر لباسی می توانند ظاهر گردند،
عناوینی چون: پیمانکار - مهندس - خبرنگار - ...**

شرکت مهندسی نیروی نفت و گاز پتروسینا آریا

عکس شماره ۲۰: فضای امنیتی حاکم بر بسیاری از فازهای پالایشگاهی در حال ساخت در منطقه ویژه پارس جنوبی، مانع از انتشار خبرها می‌شود. تقریباً تمام فضای کاری کارگران تحت نظارت دوربین‌های مدار بسته و مأموران حراست قرار دارد. (علت کیفیت پایین عکس و تار بودن آن وجود دوربین‌های متعدد بود و عکاس می‌بایست در اسرع زمان، بدون جلب توجه مانیتورینگ، عکسبرداری می‌کرد)













